



Res. article

Clitics in KhorramAbadi Lori

Fateme Akhoondi^{1✉}, Marziye Sanaati²

1- M.A. of Linguistics, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. 2- Assistant Professor of Linguistics, Faculty of Cultural Legacy and Tourism Institute.

Received: 2019/21/12

Accepted: 2020/09/03

Abstract

Local languages and dialects, as a part of the culture and civilization of any nation, are being destructed on reasons such as, immigration of native speakers. Therefore, in order to revive and record these languages and dialects, scientific studies should be conducted by linguists. In the present study, clitics in KhorramAbadi Lori are introduced, investigated, and divided into two classes of 'second-position' and 'phrasal affix', in terms of their position of attachment to the head, dependent or phrase. The research method includes: preparing a (215) -sentence questionnaire, interviewing with native speakers, extracting and investigating clitics of this language variety using Shaghghi's model (2013). Of course, foreign models have also been surveyed. The findings revealed that clitics in this dialect are incorporated at the end of their own host. Also the morphemes of genitive /e/, definiteness or indefiniteness, indefinite allocation, and endoclitical pronouns are placed in second-position endoclitics, while morphemes of definite object, coordinations, verb emphasis, adding adverb, and endoclitical verb are placed in phrasal affix endoclitics. Results show that in this language, phrasal affixes as regards their position, are closer to affixes on a continuum, in comparison with second position endoclitics.

Keywords: KhorramAbadi Lori, clitics, endoclitics, second-position, phrasal affix.

Citation: Akhoondi, F., Sanaati, M. (2021). Clitics in KhorramAbadi Lori. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (31), 1-20. (In Persian)





واژه‌بست در لری خرم‌آبادی

فاطمه آخوندی^۱✉، مرضیه صنعتی^۲

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهراء، دانشکده ادبیات، تهران، ایران. ۲. استادیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

دریافت: ۱۳۹۸/۹/۳۰

چکیده

زبان‌ها و گویش‌های محلی، به‌منابۀ بخشی از فرهنگ و تمدن هر ملت، به‌دلایل متعددی همچون مهاجرت گویشوران بومی، در خطر فراموشی قرار گرفته‌اند؛ از این رو، این وظیفه بر دوش متخصصان علم زبان است که با انجام مطالعات علمی درصدد احیاء و ثبت این گویش‌ها برآیند. در پژوهش پیش‌رو، واژه‌بست‌های لری خرم‌آبادی معرفی و به‌لحاظ جایگاه اتصالشان به هسته، وابسته یا گروه به دو دسته جایگاه دوم و وند گروهی تقطیع و بررسی زبان‌شناختی شده‌اند. روش انجام کار در نوشتار پیش‌رو، شامل تهیه پرسش‌نامه (۲۱۵) جمله‌ای، مصاحبه با گویشوران بومی، استخراج و بررسی واژه‌بست‌های این گونه زبانی با الگوگیری از شقاقی (۱۳۹۲) است، البته مدل‌های خارجی نیز در این زمینه بررسی واقع شده است. یافته‌های حاصل از بررسی داده‌ها نشان داد، واژه‌بست‌ها در این زبان به میزبان خود پی‌بست می‌شوند؛ همچنین، تکواژهای کسره اضافه، معرفه‌گی، نکره‌گی، تخصیص نکره و ضمائر پی‌بستی در مقوله پی‌بست‌های جایگاه دوم و تکواژهای مفعول معرفه، هم‌پایگی، تأکید فعلی، قید افزایش و فعل پیوستی در مقوله پی‌بست‌های وند گروهی جای می‌گیرند. نتایج برگرفته از یافته‌ها بیان‌گر آن است که در این زبان، وندهای گروهی با توجه به تثبیت جایگاهشان در مقایسه با پی‌بست‌های جایگاه دوم، روی پیوستار به وندها نزدیک‌تر هستند.

کلیدواژه‌ها: لری خرم‌آبادی، واژه‌بست، پی‌بست، جایگاه دوم، وند گروهی.



۱- مقدمه

زبان‌ها و گویش‌های هر کشور و منطقه، بخش مهم و ارزشمندی از میراث فرهنگی و معنوی آن به‌شمار می‌روند و حفظ و صیانت از این میراث، تکلیفی برعهده همگان است. سرعت انقراض و نابودی زبان‌ها و گویش‌های محلی، در مقایسه با زبان‌های رسمی و معیار، به‌دلیل مهاجرت و عدم تمایل خانواده‌ها به آموزش دادن زبان مادری به کودکان بسیار بیشتر است. متأسفانه با انقراض هر گویش، بسیاری از عقاید، آداب و رسوم و ادبیات که شامل افسانه‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار عامیانه است، از بین می‌روند؛ زیرا گویش‌ها انتقال‌دهنده ارزش‌های فرهنگی، دینی، ملی، قومی، خانوادگی، سیاسی و تاریخی هستند و در شکل‌دهی به هویت و جهان‌بینی افراد، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند (حامدی شیروان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۶)؛ به‌عبارت‌دیگر، درخطر بودن زبان و فرهنگ باهم ارتباط تنگاتنگ دارند؛ از این رو، مهم‌ترین وظیفه زبان‌شناسی در جهان امروز، رفتن به درون جامعه و توصیف زبان‌ها از راه میدانی است، پیش از آنکه امکان انجام این کار از دست برود (وارداف^۱، ۱۳۹۳: ۶۰۵)؛ بنابراین با هدف ثبت گویش‌ها و زبان‌ها، بررسی زبان‌شناختی روی واژه‌بست‌ها^۲ در زبان^۳ لری خرم‌آبادی (با تأکید بر گونه گفتار محاوره‌ای) انجام شد و تلاش درصدد یافتن پاسخ به سه پرسش پیش‌رو صورت گرفت: واژه‌بست‌ها در لری خرم‌آبادی، چه ویژگی‌های دارند و به‌لحاظ جایگاه اتصال به پایه (پیش‌بست یا پی‌بست^۴) چگونه عمل می‌کنند؟ همچنین، آن‌ها به چه پایه‌ای (هسته گروه نحوی، وابسته آن یا به مرز گروه نحوی) متصل می‌شوند؟

زبان لری از زبان فارسی باستان مشتق است (راویلنسون^۵، ۱۳۶۲: ۱۵۵) و ریشه واژه‌لر مرتبط با شهر لور^۶ (مینورسکی^۷، ۱۳۶۳: ۲۲) و به‌معنای غیرتمند یا بزرگ است (آن‌بای^۸، ۲۰۰۳: ۱۷۵). این زبان یکی از زبان‌های ایرانی جنوب غربی است که نزدیک‌ترین رابطه را با زبان فارسی دارد و هردوی آن‌ها

1. R. Wardhaugh

2. Clitics

۲- براساس تعریف دبیرمقدم (۱۳۸۷) از اصطلاحات زبان، گویش، لهجه و گونه، لری - موضوع پژوهش حاضر - زبان به‌شمار می‌رود.

4. Proclitics

5. Endoclitics

6. H. Ravilenson

7. Loor

8. V. Minorsky

9. E. J. Anonby

دنباله زبان فارسی میانه هستند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۵۳-۵۴)؛ بنابراین، زبان فارسی و لری هر دو از پارسی میانه ساسانی منشعب شده‌اند و پارسی میانه ساسانی نیز به‌نوبه خود دنباله پارسی باستان بوده است (مقیم، ۱۳۷۳: ۱۱). قلمروی گویش‌های لری و بختیاری، جنوب مناطق کردزبان است و گویشوران آن، لرها و بختیاری‌ها هستند. این گویش‌ها خط ندارند و مطالعه آن‌ها به‌طور عمده به‌وسیله ایران‌شناس مشهور روس، و. آ. ژوکوفسکی^۱ و ایران‌شناس آلمانی، اسکار مان^۲ صورت گرفته است (ارانسکی^۳، ۱۳۷۸: ۱۳۱). در کتاب *راهنمای زبان‌های ایرانی* نیز برخی از ویژگی‌های واجی، صرفی، نحوی، اشتقاقی و واژگان در گویش‌های لری فیلی، بختیاری و ممسنی را توصیف کرده است (اشمیت^۴، ۱۳۸۳: ۵۶۷-۵۷۰).

در سال‌های اخیر، پژوهش‌گران ایرانی همچون عبدی (۱۳۸۸)، بهرامی (۱۳۹۰)، عبدی و محمدابراهیمی (۱۳۹۱)، کامبوزیا کرد زعفرانلو و دیگران (۱۳۹۲)، طاهری (۱۳۹۷)، ضیاء‌مجیدی و حق‌بین (۱۳۹۷) و آخوندی و صنعتی (۱۳۹۸) مطالعاتی زبان‌شناختی روی این زبان انجام داده‌اند. ریشه واژه *clitics* مشتق از واژه یونانی *klinein* به‌معنای *تکیه‌دادن* است (اندرسن^۵، ۲۰۱۱: ۲). این مقوله به طبقات نقشی و غیر واژگانی اطلاق می‌شود، اما نکته مهم این است که بین خصوصیات واژی - نحوی و ساختارهای واجی واژه‌ها همیشه رابطه یک به یک وجود ندارد و وجود واژه‌بست یکی از دلایل عمده این عدم تطابق میان ساختارهای واژی - نحوی و ساختارهای واجی است (بوی^۶، ۲۰۰۵: ۱۶۸). از نظر تاریخی، واژه‌بست به‌طور معمول از واژه کامل به‌وجود آمده و گاهی اوقات به‌وند تصریفی تبدیل شده است (اسپنسر^۷، ۱۹۹۱: ۳۵۰). این مقوله به‌لحاظ جایگاه خود نسبت به پایه، به سه دسته پیش‌بست، پی‌بست و درون‌بست و به‌لحاظ میزان استقلال نیز به سه سطح، شامل: الف) تکواژ وابسته‌ای که افزون بر صورت واژه‌بستی، صورت مستقل نیز دارد. ب) تکواژ مستقلی که به‌دلیل نگرفتن تکیه در محیط آوایی، تبدیل به واژه‌بست شده است. پ) تکواژی که صورت واژه کامل ندارد، هیچ‌گاه تکیه نمی‌گیرد و به‌میزبان خود متصل می‌شود، تقسیم شده است (زونیکی^۸، ۱۹۷۷). این مقوله دستوری

1. V. A. Žukovskij
2. O. mann
3. I. Oranskie
4. R. Eshmidt
5. S. R. Anderson
6. G. Booiij
7. A. Spencer
8. A. Zwicky

به دو دسته ساده و ویژه تقسیم می‌شود: واژه‌بست ساده، افزون بر داشتن صورت تخفیف‌یافته، صورت واژگانی کاملی دارد؛ اما واژه‌بست ویژه، برخلاف واژه‌بست ساده، صورت واژگانی کاملی ندارد و فقط به صورت وابسته به واژه میزبان متصل می‌شود (زوئیکی و پولوم^۱، ۱۹۸۳: ۵۰۳-۵۰۴؛ کاتامبا و استن‌هام^۲، ۲۰۰۶: ۳۳۷-۳۳۸؛ لیبر^۳، ۲۰۱۲: ۱۵۰؛ دیکسون^۴، ۲۰۰۷: ۵۷۴). رده‌شناسانی همچون گیون^۵ (۲۰۰۱: ۵۴-۵۵) و کرافت^۶ (۲۰۰۳: ۳۸-۳۹) نیز به واژه‌بست پرداخته‌اند. /د/ت پی‌بستی، دو واژه با نقش‌های مختلف را به هم متصل می‌کند (قطره، ۱۳۸۶: ۶۷).

تعیین ماهیت واژه‌بست‌ها، تابعی از توزیع آن‌ها در سطح رابط سه حوزه واج‌شناسی، ساخت‌واژه و نحو است (کریمی، ۱۳۹۳: ۱۰۲۸). خصوصیات بینابینی آن‌ها، باعث شده است که زبان‌شناسان ملاک‌هایی برای شناخت کلمات، واژه‌بست و وندها به دست دهند تا از این گذر میان این سه جزء زبانی تمایز ایجاد کنند (نغزگوی کهن، ۱۳۸۹: ۸۰). هفت آزمون پیشنهادی زوئیکی و پولوم برای شناسایی سه مقوله وند، واژه‌بست و کلمه بیان‌گر آن است که (۱) واژه‌بست فاقد تکیه است. این ویژگی، استقلال آن را از دو مقوله دیگر (کلمه و وند) نشان می‌دهد. (۲) تکواژی وابسته است و همیشه به یک پایه متصل است که نزدیکی آن را به مقوله وند نشان می‌دهد. (۳) حضور آن به‌طور معمول مانع از افزودن وند جدید به پایه می‌شود. (۴) در گزینش واژه پایه از محدودیت کمتری برخوردار است. (۵) جزء ساختار درونی واژه‌ای که به آن متصل می‌شود نیست. سه ویژگی پیش‌گفته در موارد (۳)، (۴) و (۵)، مقوله واژه‌بست را از مقوله وند متمایز می‌کند. (۶) قاعده نحوی حذف به قرینه درمورد واژه‌بست رخ می‌دهد که نزدیکی آن را به کلمه نشان می‌دهد. (۷) قاعده نحوی حرکت نیز برخلاف کلمه درمورد واژه‌بست اتفاق نمی‌افتد که ملاکی برای تمایز کلمه از واژه‌بست است (شقایق، ۱۳۷۴: ۱۵۵).

مطالعاتی همچون واحدی لنگرودی و ممسنی (۱۳۸۳)، شقایق (۱۳۸۶)، مفیدی (۱۳۸۶)، راسخ‌مهند (۱۳۸۹)، شریفی (۱۳۹۰)، نورعلی‌وند (۱۳۹۰)، صراحی و علی‌نژاد (۱۳۹۲)، بهرامی‌خورشید و کامبوزیا کرد زعفرانلو (۱۳۹۳)، جم (۱۳۹۳)، نغزگوی کهن (۱۳۹۳)، مزینانی و دیگران (۱۳۹۴)، حامدی شیروان و دیگران (۱۳۹۵) و سبزلعلی‌پور و واعظی (۱۳۹۷) درباب واژه‌بست را نیز نباید از نظر دور داشت.

1. G. K. Pullum
2. F. Katamba & J. Stonham
3. R. Lieber
4. R. Dixon
5. T. Givon
6. W. Croft

اندرسن، واژه‌بست را وندگروهی^۱ قلمداد کرده و معتقد است که وند در ساحت کلمه و واژه‌بست در ساحت گروه بررسی می‌شود (۱۹۹۲: ۲۰۰). وی همچنین، واژه‌بست‌هایی را که جایگاه اتصال آن‌ها پس از اولین کلمه آوایی است، واژه‌بست جایگاه دوم^۲ می‌نامد (۱۹۹۶: ۵-۶). بشکویچ^۳ (۲۰۱۶: ۴۶) مدّعی است که نظام واژه‌بست‌های جایگاه دوم فقط در زبان‌هایی که فاقد حرف تعریف هستند، وجود دارد. کلاونس^۴ (۱۹۸۵) نیز با بررسی سه پارامتر تسلط (آغازی - پایانی)، تقدّم (قبل - بعد) و پیوند واجی (پیش‌بست - پی‌بست) روی واژه‌بست‌های زبان‌هایی از رده‌های مختلف، ارزش این سه نظام پارامتری که مفاهیم ساختاری را رمزگذاری کرده، نشان داده است که چگونه این نظام، راهی برای تحلیل پدیده‌های پیچیده مانند واژه‌بست با تابعیت دوگانه را می‌گشاید. گرت^۵ نیز با بررسی شاخه زبان‌های آناتولیایی نشان داده است که عناصر قانون واکرناگل^۶ همگی به‌لحاظ اتصال آوایی به میزبان خود، پی‌بست هستند (گرت، ۱۹۹۶: ۸۶-۸۷).

گرت^۷ (۱۹۹۰)، هالپرن^۸ (۱۹۹۵)، اندرسن (۲۰۰۴ و ۲۰۰۲)، پنچوا^۹ (۲۰۰۵)، کهنمویی‌پور و مگردومیان^{۱۰} (۲۰۰۸)، ارسلر^{۱۱} (۲۰۰۹)، آگبایانی و گلستون^{۱۲} (۲۰۱۰) و اسپنسر و لوئیس^{۱۳} (۲۰۱۲) نیز در زمینه واژه‌بست جایگاه دوم، مطالعاتی را انجام داده‌اند.

۲- واژه‌بست و انواع آن

واژه‌بست‌ها، تکواژهای وابسته و حدّ واسط بین ونداها و واژه‌های مستقل هستند. به‌لحاظ آواشناختی، این عناصر یا ذاتاً تکیه نمی‌گیرند یا به‌دلیل فرایند آوایی کاهش، تکیه خود را از دست می‌دهند. از این رو، به‌منظور داشتن صورت آوایی، باید جزئی از یک واحد تکیه‌دار تلقی شوند؛ بنابراین در ساختار تکیه‌ای واژه یا عبارت همجوار خود که در اصطلاح میزبان واژه‌بست نامیده می‌شود، ادغام می‌شوند. این ویژگی واژه‌بست‌ها (نداشتن تکیه و ادغام‌شدن آن‌ها به یک واحد تکیه‌دار)، یکی از معیارهای تشخیص

1. Phrasal affix
2. Second position
3. Ž. Bošković
4. J. L. Klavans
5. A. Garret
6. J. Wackernagel
7. A. Halpern
8. R. Pancheva
9. A. Kahnemuyipour & K. Megerdooimian
10. D. Erschler
11. B. Agbayani & Ch. Golston
12. A. R. Luis

این تکواژ وابسته از واژه مستقل است.

در مورد جایگاه اتصال واژه‌بست به ابتدا یا انتهای میزبان خود نیز باید خاطر نشان کرد که آن گروه از واژه‌بست‌هایی که به ابتدای میزبان متصل می‌شوند، پیش‌بست و آن‌هایی که به انتهای میزبان خود می‌پیوندند، پی‌بست نامیده می‌شوند (هالپرن، ۱۹۹۸: ۱۰۱).

در توصیف واژه‌بست‌ها، با توجه به اینکه به هسته گروه نحوی یا تمامی گروه نحوی یا به حاشیه بیرونی گروه متصل می‌شوند، با دو نوع واژه‌بست جایگاه دوم و وند گروهی سروکار داریم (شقاقی، ۱۳۹۲: ۸) که موضوع اصلی نوشتار پیش‌رو است. علت نام‌گذاری واژه‌بست با عنوان جایگاه دوم، بدین سبب بوده است که پس از اولین دختر نحوی سازه‌ای که دامنه گروه را تعیین می‌کند (برای نمونه، دختر نحوی گروه اسمی، یک اسم است که دامنه گروه را معین می‌سازد)، یا درون تحقق واجی دامنه گروه پس از اولین واژه واجی (مانند کسره اضافه در گروه اسمی کتاب زیبا که پس از اولین واژه واجی، درون گروه آمده است) قرار می‌گیرد (اندرسن، ۲۰۰۵: ۸۱). این دو جایگاه به ترتیب «د ۲» (D2) و «و ۲» (W2) نام‌گذاری می‌شوند. این نوع از واژه‌بست، به همراه پایه خود به‌لزام سازه‌ای نحوی یا معنایی نمی‌سازد و می‌تواند نقش‌های متفاوتی همچون ضمیر، جهت، ادات و... را در جمله برعهده گیرد (هالپرن، ۱۹۹۸: ۱۰۹-۱۱۰).

یکی از ویژگی‌های بارز این جایگاه آن است که حضور هریک از این واژه‌بست‌ها مانع از حضور دیگر واژه‌بست‌های جایگاه دوم می‌شود (شقاقی، ۱۳۹۲: ۹). واژه‌بست موسوم به وند گروهی نیز از آنجا که به یکی از دو حاشیه بیرونی گروه نحوی یا به واژه‌ای که لزوماً رابطه معنایی با آن ندارد، متصل می‌شود، با این عنوان نام‌گذاری شده است (بلینگز، ۲۰۰۲: ۵۵).

۳- روش پژوهش

با توجه به اهمیت مطالعه در باب واژه‌بست در زبان‌ها، پژوهش پیش‌رو با ماهیت توصیفی - تحلیلی واژه‌بست‌ها در لری خرم‌آبادی و همچنین تقطیع آن‌ها را به دو نوع واژه‌بست جایگاه دوم و وند گروهی با الگوگیری از شقاقی (۱۳۹۲) معرفی کرده است؛ البته منابع خارجی تراز اول نیز در این زمینه، بررسی شده است. روش انجام کار در گام نخست، شامل تهیه پرسش‌نامه (۲۱۵) جمله‌ای با تمرکز بر وجود

۱- دختر دوم

۲- واژه دوم

انواع واژه‌بست‌ها، مصاحبه با پنج گویشور بومی لری با طیف سنی حدود چهل تا شصت ساله (چهار مرد و یک زن) و تحصیلات پنجم ابتدایی تا کارشناسی و استخراج داده‌های پژوهش است. در گام بعد، معادل لری داده‌ها آوانویسی، تحلیل و یافته‌ها استخراج و نتیجه‌گیری شد.

۴- واژه‌بست‌های لری خرم‌آبادی

واژه‌بست‌ها در گونه^۱ لری خرم‌آبادی به شکل پی‌بست به پایه خود متصل می‌شوند؛ همچنین مانند زبان فارسی در صورتی که به هسته گروه نحوی، وابسته آن یا به مرز گروه نحوی متصل شوند، در قالب دو نوع جایگاه دوم و وند گروهی قابل بررسی هستند:

۴-۱- واژه‌بست‌های جایگاه دوم

نخستین مطالعات در زمینه واژه‌بست‌های جایگاه دوم به دلبروک و ویندیش^۲ (۱۸۷۸) روی سانکسريت و همچنین بارتمه^۳ (۱۸۸۶) بازمی‌گردد. پس از آن‌ها، واکرناگل (۱۸۹۲) این جایگاه را روی زبان‌های یونانی و هندوایرانی با عنوان جایگاه واکرناگل به‌طور گسترده‌تر بررسی کرده و در نهایت با تعمیم به زبان‌های دیگر به قانون واکرناگل معروف شده است که براساس آن، عناصر زبرزنجیری‌ای که در جایگاه دوم، در بند واقع می‌شوند، را شناسایی می‌کند (هال^۴، ۲۰۱۷: ۲۹۰).

بعدها، زوئیکی (۱۹۷۷) برای این مشاهدات، چارچوب نظری قائل شد. نظریه وی با کلاونس (۱۹۸۵) برجسته‌تر شد. این رویکرد به‌تازگی به‌وسیله افرادی همچون اندرسن (۲۰۰۵) در چارچوب نظری بهینگی صرفی لحاظ شده است (سلوسین و هلاند^۵، ۲۰۱۳: ۸).

در لری خرم‌آبادی، واژه‌بست‌های جایگاه دوم شامل پی‌بست‌های کسره اضافه، معرفه‌گی، نکره‌گی، تخصیص نکره و ضمائر پی‌بستی است که در بخش‌های زیر بررسی خواهند شد.

۴-۱-۱- کسره اضافه: «e»

کسره اضافه در لری، «e» است که به پایه خود پی‌بست می‌شود. در این گونه، کسره اضافه در ساخت اضافه میان دو اسم، دارای نقش‌های مضاف و مضاف‌الیه (مثال ۱) و میان موصوف و صفت (مثال ۲) به‌کار می‌رود. چنانچه مضاف‌الیه و وابسته آن نیز وابسته داشته باشند، باز هم این کسره اضافه در

۱- داده‌های گویشی جمع‌آوری شده در نوشتار پیش رو از گفتار محاوره‌ای گویشوران لری خرم‌آبادی است.

2. B. Delbrück & E. Windisch

3. C. Bartholomae

4. M. Hale

5. Ch. M. Salvesen & H. P. Helland

ساخت حضور می‌یابد (مثال ۳). شایسته است گفته شود که از بررسی داده‌های متعدّد این زبان، این گونه برمی‌آید که امکان حذف کسره اضافه در همه جایگاه‌ها وجود دارد (مثال ۴):

- 1) keto - j - i mən das - e ali bi-ø
 ۳ش‌م- بودن علی بی‌کسره اضافه- دست توی بی^۱ نکره- میانجی- کتاب
 'کتابی توی دست علی بود.'
- 2) barre- j - e espi gap bi - j - a
 بی‌کسره اضافه- میانجی- بره سفید بزرگ شده بی‌فعلی- میانجی- شده
 'بره سفید بزرگ شده است.'
- 3) galle - ?- e gusan - e amu - j - e buʔa-m rat ø jelaq
 بیلاق ۳ش‌م-رفت بی‌ضمیری‌اش‌م- بابا بی‌کسره اضافه- میانجی- عمو بی‌کسره اضافه- گوسفند بی‌کسره اضافه- میانجی- گله
 'گله گوسفندِ عموی بابام به بیلاق رفت.'
- 4) berar -za nəna rafiq - əm ʔitʃe - n - a
 برادر زاده - برادر مادر دوست ۳ش‌م- دوست میانجی- اینجا بی‌فعلی- میانجی- اینجا
 'برادرزاده مادرِ دوستم اینجا است.'

به این ترتیب، کسره اضافه در لری خرم‌آبادی همچون زبان فارسی در هر دو جایگاه «و» (۲) یعنی بعد از هسته گروه اسمی و «د» (۲)؛ یعنی پس از وابسته آن به کار می‌رود.

۴-۱-۲- نشانه معرفه: «a»

نشانه معرفه‌گی در لری، «a» است که به پایه خود پی‌بست می‌شود. این پی‌بست در کنار هسته اسمی یعنی در جایگاه «و» (۲) (مثال ۵) یا وابسته آن در جایگاه «د» (۲) (مثال ۶ و ۷) به کار می‌رود و اگر این نشانه در کنار هسته گروه حضور یابد، وابسته‌ای در آن گروه به کار نمی‌رود؛ همچنین، این پی‌بست را می‌توان به قرینه حذف کرد؛ برای مثال، در هریک از نمونه‌های گویشی زیر (جملات ۵، ۶ و ۷)، امکان حذف نشانه معرفه‌گی وجود دارد:

- 5) kor - a darr - a bazi mə - kon - a
 ۳ش‌م- استمراری ۳ش‌م- استمراری پی‌معرفه- پسر بازی استمراری کردن - استمراری
 'پسر داره بازی می‌کنه.'
- 6) kor koʃk - a rat - ø safar
 سفر ۳ش‌م- رفتن پی‌معرفه- کوچک پسر
 'برادر کوچیکه، سفر رفت.'

7) daman - e doxtar - a tʃin - tʃin - a

بی‌فعلی‌اشم - چین - چین بی‌معرفه - دختر بی‌کسرۀ اضافه - دامن

‘دامنِ دختره، چین‌چینی است.’

۴-۱-۳- نشانهٔ نکره: «i»

نشانهٔ نکره‌گی در لری، «i» است که به پایهٔ خود پی‌بست می‌شود. چنان‌چه در این زبان، گروه اسمی فقط از یک هستهٔ اسمی تشکیل شده باشد، این پی‌بست پس از هستهٔ اسمی، یعنی در جایگاه «و ۲» واقع می‌شود (مثال ۸) و چنان‌چه گروه اسمی از هستهٔ اسمی و وابستهٔ صفتی یا اسمی تشکیل شده باشد، پس از وابستهٔ گروه اسمی یعنی در جایگاه «د ۲» به‌کار می‌رود (مثال‌های ۹ و ۱۰):

8) je doxtar - i ve me salam kerd - ø

۳ش‌م - کردن سلام من به بی‌نکره - دختر یک

‘یک دختری به من سلام کرد.’

9) ketow doxtar - i das - em dʒa - mann - a

۳ش‌م - ماندن - جا بی‌ضمیری‌اشم - دست بی‌نکره - دختر کتاب

‘کتاب دختری دست من جا مانده است.’

10) kor zerang - i va me rafiq bijj - a

۳ش‌م - شد رفیق من با بی‌نکره - زرنگ پسر

‘پسر زرنگی (پسری زرنگ) با من دوست شد.’

۴-۱-۴- تخصیص نکره: «i»

نشانهٔ تخصیص نکره در لری، «i» است که به پایهٔ خود پی‌بست می‌شود. این واژه‌بست، پیش از بند توصیفی واقع می‌شود. چنان‌چه گروه اسمی فقط از یک هستهٔ اسمی تشکیل شده باشد، این نشانه همانند نشانهٔ نکره‌گی، پس از هستهٔ اسمی یعنی در جایگاه «و ۲» (مثال ۱۱) و چنان‌چه گروه اسمی از هستهٔ اسمی و وابستهٔ صفتی تشکیل شده باشد، پس از وابستهٔ گروه اسمی یعنی در جایگاه «د ۲» (مثال ۱۲) به‌کار می‌رود:

11) pijsa - j - i ke zir lahaf hoft - i - j - a

۳ش‌م - میانجی - نشانهٔ صم^۱ - خوابیدن لحاف زیر که بی‌تخصیص‌نکره - میانجی - مرد

ba - ?a - m - a

بی‌فعلی‌اشم^۳ - بی‌ضمیری‌اشم - بزرگ - بابا

مردی که زیر لحاف خوابیده، بابا بزرگم است.

12) pija mehrabon - i ke di - ? bua - m - a

بی‌فعلی ۳ش‌م - بی‌ضمیری ۱ش‌م - بابا ۲ش‌م - دید که بی‌تخصیص‌نکره - مهربان - مرد

مرد مهربانی (مردی مهربان) که دیدی، بابامه.

۴-۱-۵- ضمائر پی‌بستی

ضمایر متصل در لری خرم‌آبادی به پایه خود پی‌بست می‌شوند. این ضمایر، به هسته گروه اسمی در جایگاه «و» (۲) (مثال ۱۳)، به وابسته گروه اسمی در جایگاه «د» (۲) (مثال ۱۴) و به حرف اضافه در جایگاه هسته گروه اسمی (مثال ۱۵) متصل می‌شوند؛ همچنین، این ضمایر در این زبان مانند فارسی می‌توانند نقش‌های ملکی (مثال‌های ۱۳ و ۱۴) و مفعولی (مثال ۱۵ و ۱۶) را برعهده گیرند. چنان‌چه آن‌ها در گروه اسمی ظاهر شوند، فقط نقش ملکی و اگر در گروه فعلی و حرف اضافه‌ای واقع شوند، نقش مفعولی را ایفا می‌کنند:

13) korr-ej rat-ø safar

سفر ۳ش‌م - رفت بی‌ضمیری ۳ش‌م - پسر

پسرش سفر رفت.

14) rafiq-e qejm-im žitfe - n - a

بی‌فعلی ۳ش‌م - میانجی - اینجا بی‌ضمیری ۱ش‌م - قدیمی بی‌کسره اضافه - دوست

دوست قدیمم اینجا است.

15) qezqon-e za - j be - jir - ø

۲ش‌م - گیر - امر بی‌ضمیری ۳ش‌م - از بی‌مفعول معرفه - دیگ

دیگ را ازش بگیر.

16) bajad berar - et - e mi - ard - i - j hona-mon

بی‌ضمیری ۱ش‌ج - خانه بی‌ضمیری ۳ش‌م - ۲ش‌م - آورد - اخباری بی‌مفعول معرفه - بی‌ضمیری ۲ش‌م - برادر باید

باید برادرت را خانه‌مان می‌آوردیش.

بررسی داده‌های متعدّد روی این زبان، نشان داد که ضمایر پی‌بستی مفعولی در افعال مرکب، به جزء فعلی (۱۷ الف) یا غیر فعلی (۱۷ ب) به‌مثابه یک واژه پایه متصل می‌شوند. از این رو، از نظر تنوع اتصال، با وندهای تصریفی تفاوت دارند؛ زیرا این وندها فقط به جزء فعلی متصل می‌شود. باید خاطر نشان کرد که داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش حاضر، امکان حذف ضمایر پیوستی را تنها در مواردی که به گروه فعلی متصل شوند (مثال ۱۸)، گواهی می‌دهند که بیان‌گر نقش تأکیدی این پی‌بست‌ها در جایگاه پیش‌گفته و عدم ایجاد خلأ در مفهوم جمله، در صورت حذف آن‌ها است.

17) a. taft - e zɛ ri taʃ vɛr - dar - ø - eʃ
 بی‌ضمیری ۳ش‌م - ۲ش‌م - دار - بر آتش روی از بی‌مفعول‌معرفه - تشت

‘تشت را از روی آتش بردارش.’

b. taft - e zɛ ri taʃ vɛr - eʃ - dar - ø
 ۲ش‌م - دار - بی‌ضمیری ۳ش‌م - بر آتش روی از بی‌مفعول‌معرفه - تشت

‘تشت را از روی آتش برش‌دار.’

18) berar - em - e gir ord - em

اش‌م - آوردن گیر بی‌مفعول‌معرفه - بی‌ضمیری ۱ش‌م - برادر

‘برادرم را پیداش کردم.’

در جدول (۱)، صرف شش صیغه بی‌بست‌های ضمیری که به انتهای میزبان‌های خود (به‌ترتیب شامل اسمِ دوست، ضمیر مشترکِ خود و حرف اضافه با است) متصل شده‌اند، آمده است.

جدول (۱). صرف شش صیغه ضمائر بی‌بستی به همراه پایه‌های مختلف

شخص	اول	دوم	سوم
شمار	dus-em	dus-et	dus-eʃ
	dus-emo	dus-eto	dus-eʃo
	dus-e-merabon - em	dus-e-merabon- et	dus-e-merabon-eʃ
	dus-e-merabon -emo	dus-e-merabon- eto	dus-e-merabon- eʃo
	χo-m	χo-t	χo-ʃ
	χo-mon	χo-ton	χo-ʃon
	vɛ-m	vɛ-t	vɛ-ʃ
	vɛ-mon	vɛ-ton	vɛ-ʃon

۴-۲- واژه‌بست‌های وند گروهی

ترتیب کمابیش ثابت و منحصر به فرد وندهای گروهی که همیشه در حاشیه سازه قرار می‌گیرند و همچنین اعمال برخی قواعد واجی بر وندها و واژه‌بست‌ها، آن‌ها را به وندها شبیه می‌سازد و از این نظر به عناصر حوزه صرف می‌مانند تا عناصر نحو (شقاقی، ۱۳۹۲: ۱۹)؛ افزون بر این، وندهای گروهی ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را به واژه وابسته شبیه‌تر می‌سازد تا به وند تصریفی که عبارت‌اند از (زوئیکی، ۱۹۸۷: ۱۳۶):

۱. وند گروهی همیشه پس از وند تصریفی می‌آید.

۲. برخلاف وند تصریفی، وند گروهی همیشه به شکل یک وند ظاهر می‌شود و هیچ‌گاه حاصل عملکرد

فرایند نیست؛ یعنی با تشدید، تغییر واکه، کاهش و... تحقق نمی‌یابد.

۳. برخی وندهای گروهی مانند واژه‌های وابسته به صورت‌های تصریفی متصل نمی‌شوند؛ زیرا در حاشیه سازه می‌آیند نه در کنار هسته.

افزون بر این، آزادی وندهای گروهی در گزینش پایه، ممانعت آن‌ها از عملکرد قواعد صرفی و نداشتن خلأ اختیاری در ساخت، دلالت بر نحوی بودن این پی‌بست‌ها و همچنین تمایز آن‌ها از وندهای سطح واژه است (شفاقی، ۱۳۹۲: ۱۶ و ۱۹).

در گونه لری خرم‌آبادی، واژه‌بست‌های وند گروهی شامل نشانه مفعول معرفه، نشانه قید افزایش، نشانه تأکید، نشانه هم‌پایگی و صورت پی‌بستی فعل بودن است که در بخش‌های زیر به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۴-۲-۱- نشانه مفعول معرفه: «(a)»، «(e)»، «(o)»

نشانه مفعول معرفه در لری، به صورت‌های «(o)»، «(e)» یا «(a)» تلفظ و در حاشیه پایانی گروه اسمی (حاشیه بیرونی گروه) و فارغ از مقوله کلمه پایه، به آن پی‌بست می‌شود (مثال‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱)؛ همچنین، امکان حذف به‌قرینه این پی‌بست نیز در زبان یادشده وجود دارد (مثال ۲۲):

19) qaza - j - e tʃupow - n - o bajad be - j - em

ش‌م - دادن - التزامی باید پی‌مفعول معرفه - میانجی - چوپان پی‌کسر اضافه - میانجی - غذا

‘غذای چوپان را باید بدهم.’

20) qazqo-n-e mesi - n - a ze zirzemi ord - em

ش‌م - آوردن زیرزمین از پی‌مفعول معرفه - میانجی - مسی پی‌کسر اضافه - میانجی - دیگ

‘دیگ مسی را از زیرزمین آوردم.’

21) dino marjam- e di - jj - am

اش‌م - میانجی - دیدن پی‌مفعول معرفه - مریم دیروز

‘دیروز مریم را دیدم.’

22) ketow ver - dar - ø

ش‌م - دار - بر کتاب

‘کتاب را بردار.’

۴-۲-۲- نشانه قید افزایش: «(am)»، «(em)»

نشانه قید افزایش در لری، معادل صورت پی‌بستی هم در فارسی است که به صورت‌های «(em)» یا «(am)» تلفظ و به حاشیه بیرونی گروه اسمی پی‌بست می‌شود (مثال‌های ۲۳ و ۲۴). چنانچه نشانه مفعول معرفه

در ساخت حضور داشته باشد، با اضافه‌شدن نشانه قید افزایش، حذف می‌شود (مثال ۲۴)؛ همچنین، بررسی داده‌های لری امکان حذف به‌قرینه پی‌بست قید افزایش را نیز نشان می‌دهد (مثال ۲۵):

23) korra - l - em ejn - e doxtar - el¹ azijat mε - kon - an

۳شج-کردن- اخباری اذیت جمع- دختر پی‌کسره‌اضافه - عین پی‌قیدافزایش - جمع- پسر

‘پسرها هم مانند دخترها اذیت می‌کنند.’

24) bajad dar - e barban - am ba - ?ann - i

۲شم- بستن- امری پی‌قیدافزایش - باربند پی‌کسره‌اضافه - در باید

‘باید در باربند را هم ببندی.’

25) bajad gannam ?asijow kon - i

۲شم- کردن آسیاب گندم باید

‘باید گندم را هم آسیاب کنی.’

۴-۲-۳- نشانه تأکید: «a»

نشانه تأکید در لری، معادل صورت پی‌بستی «های» تأکید در فارسی است که به‌صورت «a» تلفظ و در حاشیه انتهای گروه فعلی و پس از وندهای تصریفی و دیگر واژه‌بست‌ها به پایه خود پی‌بست می‌شود (مثال ۲۶ و ۲۷). این واژه‌بست را می‌توان به‌قرینه حذف کرد (مثال ۲۸)؛ اما با توجه به اینکه جز مقوله فعل به مقوله دیگری متصل نمی‌شود، می‌توان گفت در حال تحوّل به وند است:

26) o zen-a nena - f - a - h - a

پی‌تأکید- میانجی- پی‌فعلی ۳شم- پی‌ضمیری ۳شم- مامان پی‌معرفه- زن آن

‘آن زنه مامانشه‌ها.’

27) bε - fi - ø mi - zen - am - et - a

پی‌تأکید- پی‌ضمیری ۲شم- ۱شم- زدن - اخباری ۲شم- نشستن- امری

‘بنشین! می‌زومت‌ها!’

28) bajad ?itfe ba - mon - i

۲شم- ماندن- امری اینجا باید

‘باید اینجا بمانی‌ها.’

۴-۲-۴- نشانه هم‌پایگی: «o»

نشانه هم‌پایگی یا ادات عطف در لری، «o» تلفظ و به پایه خود پی‌بست می‌شود. این نشانه، دو سازه را

به هم ربط می‌دهد و در حاشیه گروه نحوی ظاهر می‌شود، حالا این گروه ممکن است فقط از یک هسته (مثال ۲۹) یا از هسته و وابسته (مثال ۳۰) تشکیل شده باشد؛ همچنین، می‌توان آن را به‌قرینه حذف کرد (مثال ۳۱):

29) ma - n - o bua-m rat - im sar - e zemi

زمین بی‌کسره‌اضافه- سر اش‌ج- رفتن بی‌ضمیری اش‌م - بابا بی‌هم‌پایگی- میانجی- من
'من و بابام سر زمین رفتیم.'

30) dar-e gap - o divar qejmi - n - e xerow kerd-en

اش‌ج-کردن خراب بی‌مفعول‌معرفه- میانجی- قدیمی دیوار بی‌هم‌پایگی- بزرگ بی‌کسره‌اضافه- در
'در بزرگ و دیوار قدیمی را خراب کردند.'

31) dar divar rang za-ø

اش‌م-زدن رنگ دیوار در
'در و دیوار را رنگ زد.'

۴-۲-۵- صورت پی‌بستی فعل بودن

فعل بودن در لری به پایه خود پی‌بست می‌شود و برای هر شش صیغه در زمان حال، صورت‌های مجزایی دارد که به‌تنهایی در ساخت حضور نمی‌یابد و به حاشیه بیرونی گروه پی‌بست می‌شود؛ همچنین، باید خاطر نشان کرد که این پی‌بست برخلاف پی‌بست‌های گروهی دیگر این زبان حذف نمی‌شود. در جدول زیر صورت پی‌بستی فعل بودن در حاشیه سازه گروهی گرسنه برای شش صیغه در لری صرف شده است:

جدول (۲). صرف صورت پی‌بستی فعل بودن در زبان لری

شخص	اول	دوم	سوم
مفرد	gosna-ma/m بی‌فعلی اش‌م- گرسنه	gosna-ta/?i بی‌فعلی اش‌م- گرسنه	gosna-ø/a بی‌فعلی اش‌م- گرسنه
شمار	gosna-z -میانجی- گرسنه -im بی‌فعلی اش‌ج	gosna-? -میانجی- گرسنه -in بی‌فعلی اش‌ج	gosna-n بی‌فعلی اش‌ج- گرسنه

در این بخش، واژه‌بست‌های لری خرم‌آبادی معرفی و به‌لحاظ جایگاه قرارگرفتن آن‌ها در کنار هسته گروه اسمی، وابسته آن یا مرز گروه به دو دسته پی‌بست‌های جایگاه دوم و وند گروهی تفکیک شدند. در جدول زیر، این پی‌بست‌ها به‌اختصار فهرست و تقطیع شده‌اند:

جدول (۳). واژه‌بست‌ها در زبان لری

انواع واژه‌بست				
e		کسره اضافه		جایگاه دوم
a		نشانه معرفه		
i		نشانه نکره		
i		تخصیص نکره		
جمع	مفرد	شمار	شخص	
im-mon-emo	em-m	اول	ضمایر پی‌بستی	
id-ton-eto	i-t-et	دوم		
En- fon-ejo	ø - f-ef	سوم		
e-o-a		نشانه مفعول معرفه		وند گروهی
am-εm		نشانه قید افزایش		
a		نشانه تأکید		
o		نشانه هم‌پایگی		
جمع	مفرد	شمار	شخص	
im	am/m	اول	صورت‌پی‌بستی فعل بودن	
in	ta/ʔi	دوم		
n	a-ø	سوم		

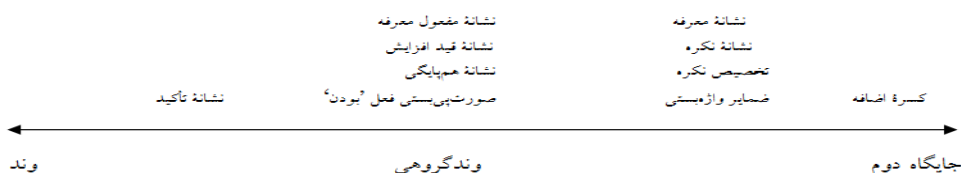
۵- نتیجه‌گیری

در نوشتار پیش رو با هدف ثبت و حفظ گویش‌ها و زبان‌های ایرانی به‌مثابه بخش مهمی از میراث فرهنگی این مرز و بوم، با طرح پرسش‌هایی پیرامون تکواژهای وابسته‌ای موسوم به واژه‌بست در گونه لری خرم‌آبادی، این عناصر دستوری به‌لحاظ زبان‌شناختی بررسی شدند. در پاسخ به پرسش نخست پژوهش، تحلیل‌ها بیان‌گر آن هستند که این تکواژها در ترکیب‌پذیری معنایی به وند تصریفی شباهت دارند، اما برخلاف وندها در انتخاب پایه، گزینشی عمل نمی‌کنند و با هر پایه‌ای همراه می‌شوند. وند تصریفی مانند واژه‌بست با پایه خود اتصال آوایی دارد و از این نظر به یکدیگر شبیه هستند، اما در سطح ساختاری باهم تفاوت دارند؛ زیرا وند تصریفی در ساحت صرف و واژه‌بست در ساحت نحو به پایه خود متصل می‌شود؛ همچنین، برخلاف وندها، امکان حذف واژه‌بست در مواردی که خللی در معنا ایجاد نکند، وجود دارد.

درخصوص پرسش دوم، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این عناصر در لری به‌لحاظ جایگاه اتصال به

پایه، پی‌بست هستند و اما در پاسخ به پرسش سوم باید این گونه توضیح داد که جایگاه قرارگیری برخی از پی‌بست‌های این زبان، درکنار هسته یا وابسته و برخی دیگر از آن‌ها همجوار با گروه نشان‌دهنده آن است که این عناصر رفتار ساختاری یکسانی ندارند و با توجه به نوع پایه‌ای که به آن‌ها متصل می‌شود (هسته، وابسته یا گروه) می‌توان آن‌ها را به دو نوع واژه‌بست‌های جایگاه دوم و وند گروهی تقسیم کرد. واژه‌بست‌های جایگاه دوم، به ترتیب شامل کسره اضافه که به طور انحصاری درکنار هسته اسمی، یعنی جایگاه «و ۲» و وابسته آن در جایگاه «د ۲» قرار می‌گیرد، نشانه معرفه، نشانه نکره، تخصیص نکره و ضمائر واژه‌بستی که به هسته اسمی (در صورت نبود وابسته) یعنی در جایگاه «و ۲» یا وابسته آن در جایگاه «د ۲»، متصل می‌شود. وندهای گروهی نیز، تنها در حاشیه بیرونی گروه می‌آیند و عبارت‌انداز: نشانه مفعول معرفه، نشانه قید افزایش، نشانه تأکید، نشانه هم‌پایگی و صورت‌پی‌بستی فعل بودن.

براساس یافته‌های پیش‌گفته، این نتیجه به دست آمد که با توجه به میزان متغیر یا ثابت بودن جایگاه واژه‌بست‌های جایگاه دوم و وندهای گروهی و همچنین، میزان آزادی آن‌ها در انتخاب پایه در مقایسه با وندها، این سه مقوله را می‌توان به شکل پیوستاری - همان‌گونه که در زیر آمده - نمایش داد:



در انتهای سمت راست پیوستار، کسره اضافه یکی از واژه‌بست‌های جایگاه دوم که تنها در هر دو جایگاه «و ۲» و «د ۲» به کار می‌رود واقع شده است. کمی جلوتر روی پیوستار دیگر، واژه‌بست‌های جایگاه دوم یعنی نشانه معرفه، نشانه نکره، تخصیص نکره و ضمائر واژه‌بستی که در صورت نبود وابسته در گروه، در جایگاه «و ۲» و در شرایط حضور وابسته، در جایگاه «د ۲» به کار می‌روند، واقع شده‌اند. وندهای گروهی نیز نسبت به واژه‌بست‌های جایگاه دوم، جایگاه ثابت‌تری دارند. آن‌ها در وسط پیوستار واقع شده‌اند و به وندها نزدیک‌تر هستند. نکته قابل توجه این است که از میان وندهای گروهی، نشانه تأکید از آنجا که نسبت به پایه خود گزینشی‌تر عمل می‌کند و تنها به مقوله فعل متصل می‌شود، ویژگی‌های بیشتری از وندها را در خود جای داده است و می‌توان گفت، در حال تحول به وند است؛ از این رو، نسبت به دیگر وندهای گروهی روی پیوستار جلوتر و در نتیجه به وندها نزدیک‌تر است.

در پایان، باید خاطر نشان کرد که براساس این مطالعه هم‌زمانی، جایگاه و رفتار واژه‌بست‌ها نسبت به پایه خود در زبان لری همانند زبان فارسی است. بررسی این موضوع در گذر زمان و به صورت

پژوهش در زمانی، بازه زمانی این قرابت و زاویه تغییر آن را مشخص خواهد کرد.

منابع

آخوندی، فاطمه و مرضیه صنعتی (۱۳۹۸). بررسی مؤلفه‌های ترتیب واژه در زبان لری خرم‌آبادی. *مجله علم زبان*، در دست چاپ.

اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳). *راهنمای زبان‌های ایرانی: زبان‌های ایرانی نو*. مترجمان: آرمان بختیاری؛ عسکر بهرامی؛ حسن رضائی باغ‌بیدی و نگین صالحی‌نیا. جلد دوم. تهران: ققنوس.

ارانسکی، یوسیف م (۱۳۷۸). *زبان‌های ایرانی*. مترجم: علی‌اشرف صادقی. تهران: سخن.

امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۰). *قوم لری*. تهران: آگاه.

بهرامی، آیت‌الله (۱۳۹۰). *بررسی ساختار گویش لری شهرستان دره‌شهر*. رساله کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

بهرامی خورشید، سحر و عالیه کامبوزیا کرد زعفرانلو (۱۳۹۳). اتصال پی‌بست‌های ضمیری به اسامی مختوم به واکه در زبان فارسی: چگونگی اتصال و بازنگری نظام پی‌بست‌های ضمیری. *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ۱۰ (۲)، ۸۱-۱۰۲.

جم، بشیر (۱۳۹۳). پیرامون کسره اضافه و تکیه در تلفظ نام و نام خانوادگی. *مجله ادب‌پژوهی*، ۱ (۳۰)، ۶۱-۸۰. حامدی شیروان، زهرا؛ شهلا شریفی و محمود الیاسی (۱۳۹۵). بررسی و توصیف واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی. *مجله جستارهای زبانی*، ۷ (۳۲)، ۱۲۵-۱۴۸.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). زبان، گونه و لهجه کاربردهای بومی و جهانی. *مجله ادب‌پژوهی*، ۲ (۵)، ۹۱-۱۲۸.

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل. *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۲ (۳)، ۷۵-۸۶. راولینسون، هنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون*. مترجم: سکندر امان‌اللهی. تهران: آگه.

سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست و هنگامه واعظی (۱۳۹۷). بررسی واژه‌بست در زبان تاتی گونه دروی. *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۱ (۱۶)، ۳۷-۵۹.

شریفی، شهلا (۱۳۹۰). بررسی برخی نکات ساخت‌واژی در مورد واژه‌بست‌های ضمیری در گویش کاخکی. *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۳ (۵)، ۱-۱۶.

شقایق، ویدا (۱۳۷۴). واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟. *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی*، (صص. ۱۴۱-۱۵۸). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

----- (۱۳۸۶). مبانی صرف. تهران: سمت.

----- (۱۳۹۲). *وند گروهی*. *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ۹ (۱۷)، ۱-۲۶.

صراحی، محمدامین و بتول علی‌نژاد (۱۳۹۲). رده‌شناسی واژه‌بست در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی و*

گویش‌های خراسان، ۵ (۸)، ۱۰۳-۱۳۰.

ضیاءمجیدی، لایلا و فریده حقیبن (۱۳۹۷). نمود فعل در زبان لری و گونه‌های آن. مجله مطالعات زبان‌ها و

گویش‌های غرب ایران، ۶ (۲۲)، ۹۳-۱۱۰.

طاهری، اسفندیار (۱۳۹۷). درباره پیشین‌شدگی واژه *lā* در لری و گویش‌های مرکزی ایران. مجله مطالعات

زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۶ (۲۳)، ۸۳-۹۶.

عبدی، پروین (۱۳۸۸). بررسی گروه‌های اسمی در گویش لری خرم‌آبادی. رساله کارشناسی ارشد زبان‌شناسی

همگانی، دانشگاه شهید بهشتی.

----- و زینب محمدابراهیمی (۱۳۹۱). توصیف گروه‌های اسمی در گویش لری خرم‌آبادی. مجله

پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۴ (۶)، ۸۱-۹۶.

قطره، فریبا (۱۳۸۶). مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز. مجله دستور (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ۳

(۳)، ۵۲-۸۱

کامبوزیا کرد زعفرانلو، عالییه؛ اردشیر ملکی مقدم و آرزو سلیمانی (۱۳۹۲). مقایسه فرایندهای واجی همخوان‌های

گویش لری بالاگریوه با فارسی معیار. مجله جستارهای زبانی، ۴ (۱۳)، ۱۵۱-۱۸۰.

کریمی، یادگار (۱۳۹۳). نگاهی به میزبان‌گزینی واژه‌بست‌ها از منظر نظریه فاز. مجموعه مقالات دانشگاه علامه

طباطبایی، (صص. ۱۰۲۷-۱۰۴۲). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

مزینانی، ابوالفضل؛ عالییه کرد زعفرانلو کامبوزیا و ارسلان گلفام (۱۳۹۴). بررسی واژه‌بست‌های ضمیری گویش

مزینانی. مجله زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ۱۴ (۴)، ۷۹-۱۰۱.

مفیدی، روح‌الله (۱۳۸۶). تحوّل نظام واژه‌بستی در فارسی میانه و نو. مجله دستور (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ۳

(۳)، ۱۳۳-۱۵۲.

مقیمي، افضل (۱۳۷۳). بررسی گویش بویراحمد. شیراز: نوید.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۶۳). لرستان و لرها. مترجمان: سکندر امان‌اللهی و لیلی بختیار. تهران: بابک.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۹). از واژه‌بست تا وند تصریفی - بررسی تحوّل تاریخی بعضی واژه‌بست‌های فارسی

جدید. مجله دستور (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ۶ (۴)، ۷۷-۹۹.

----- (۱۳۹۳). از واژه‌بست تا وند اشتقاقی. مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، (صص.

۱۳۴۵-۱۳۵۰). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

نورعلی‌وند، اسماء (۱۳۹۰). بررسی و توصیف واژه‌بست در گویش لری دره‌شهر. رساله کارشناسی ارشد

زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور تهران.

واحدی لنگرودی، محمدمهدی و شیرین ممسنی (۱۳۸۳). بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری. مجله

وارداف، رونالد (۱۳۹۳). درآملی بر جامعه‌شناسی زبان. مترجم: رضا امینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

References

- Agbayani, Brian. & Ch. Golston (2010). Second Position is first position: Wackernagel's law and the role of clausal conjunction. *Indogermanische Forschungen*, (115), 1-21.
- Anderson, S. R. (1992). *A-Morphous Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- (1996). How to Put your clitics in their place, or why the best account of second-position phenomena may be a nearly optimal one. *The Linguistic Review*, 1-21.
- (2002). Second Position Clitics in Tagalog. In: S. Inkelas & K. Hanson (Eds.), *In the nature of the word*, (549-566). MIT Press: CSLI Publication.
- (2004). Subject clitics and verb- second in Surmiran Rumantsch. *MIT Working Papers in Linguistics*, (47), 1-22.
- (2005). *Aspects of the Theory of Clitics*. Oxford: Oxford University Press.
- (2011). Clitics. *The Blackwell Companion to Phonology*, 1-17.
- Anonby, E. J (2003). Update on Luri: How many languages?. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 13 (2), 171-197.
- Bartholomae, Ch. (1886). *Arische Forschungen*, Bd. II. Halle.
- Billings, L. (2002). Phrasal Clitics. *Journal of Slavic Linguistics*, 10(1-2), 53-104.
- Bošković, Ž. (2016). On Second Position clitics crosslinguistically. In: F. L Marušič & R. Žaucer (Eds.), *Formal Studies in Slovenian Syntax: In honor of Janez orešnik*, (23-54). Amsterdam: John Benjamins.
- Booij, G. (2005). *The Grammar of Words*. Oxford: Oxford University Press.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Delbrück, B. & E. Windisch (1878). *Syntaktische Forschungen*. Waisen Hauses: Halle.
- Dixon, R. M. W. (2007). Clitics in English. *English Studies*, 88 (5), 574- 600.
- Erschler, D. (2009). Modularity and 2P Clitics: Arguments from Digor Ossetic. *In Online Proceedings of IATL*, (25), 1-14.
- Garret, A. (1990). *The syntax of Anatolian Pronominal Clitics*. Doctoral dissertation. Harvard University. Cambridge. Mass.
- (1996). Wackernagel 'law and unaccusativity in Hittite. In: A. Halpern & A. Zwicky (Eds.), *In Approaching Second: Second Position Clitics And Related Phenom*, (85-133). Stanford: CSLI Publications..
- Givon, T. (2001). *Syntax: An Introduction*. Vol. I, 2nd ed. Amsterdam: John Benjamins.
- Hale, M. (2017). Preliminaries to the Investigation of clitic sequencing in Greek and Indo-Iranian. In: C. Bower, L. Horn & R. Zanuttini (Eds.). *In ON Looking in to Words (and beyond)*, (289-310). Berlin: Language Science Press.
- Halpern, A. (1995). *On the Placemnt and Morphology of Clitics*. Stanford: CSLI Publications.

- (1998). Clitics. A. Spenser & A. Zwicky (Eds.), *In Handbook of morphology*, (101-122). London: Blackwell.
- Kahnemuyipour, A. & K. Megerdumian (2008). Second Position clitics in the VP Phrase: The Case of the Armenian Auxiliary. *Linguistic Inquiry*, 42 (1), 152-162.
- Katamba, F. & J. Stonham (2006). *Morphology*: Palgrave Macmillan.
- Klavans, J. L. (1985). The Independence of syntax and phonology in cliticization. *Language*, (61), 92-120.
- Lieber, R. (2012). *Introducing Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pancheva, R. (2005). The rise and fall of Second- Position clitics. *Natural language & Linguistic Theory*, 23 (1), 103-167.
- Salvesen, Ch. M. & H. P. Helland (2013). Why challenging clitics?: Some introductory remark. In: C. M. Salvesen & H. P. Helland (Eds.), *In Challenging Clitics*, (1-26). Amsterdam: John Benjamins.
- Spencer, A. (1991). *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure In Generative Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- & A. R. Luis (2012). *Clitics, An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wackernagel, J. (1892). Über ein Gesetz der indogermanischen Wortstellung. *Indogermanische Forschungen*, (1), 333-436.
- Zwicky, A. (1977). *On Clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistics Club.
- & G. K. Pullum (1983). Cliticization vs. Inflection: English N' T. *Language*, 59 (3), 502-513.
- (1987). Suppressing the Zs. *Journal of Linguistics*, (23), 133-148.